

# بسم الله الرحمن الرحيم

## اسوه ها

سید جواد میرصادقی

نهضت سالار شهیدان حضرت امام حسین ع را به سه قسم سرنوشت ساز تقسیم می کنیم که ما در این مقاله قسم سوم را مورد بحث قرار می دهیم:

1- رهبر قیام؛

2- دوران اسارت

3- یاران وفادار و فداکار.

## نقش یاران وفادار

اساسا در تاریخ نهضت‌های الهی هیچ نهضتی بدون یاران وفادار و فداکار جان نگرفته است، انبیا و پیام آوران حق با این که موید از ناحیه خداوند بودند، اما روی یاران مومن حساب می کردند:

«و کاین من نبی قاتل معه ریون کثیر فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل الله و ما ضعفوا و ما استکانوا والله یحب الصابین»<sup>۱</sup> و چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگیدند، آنها هیچ گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنها می رسید سست نشدند و ناتوان نگردیدند و خداوند استقامت کنندگان را دوست دارد».

پیامبر بزرگوار اسلام در دوره بعثت علی رغم ناملایمات و سختیهای فراوان و اصرار دوستان بر اعلان جنگ با دشمنان خدا، اجازه نبرد مسلحانه با دشمن را نداد چرا که جنگ نیاز به «عده» و «عده» دارد و این در مکه فراهم نبود. با هجرت حضرت به مدینه این مهم برآورده شد. دوره سخت مکه در حقیقت دوره سازندگی بود.

حضرت در این دوره سربازانی فداکار پرورید؛ سربازانی که در جنگهای پیامبر اکرم<sup>۶</sup> افتخارات فراوانی برای اسلام و مسلمین آفریدند. آن گاه که این زمینه‌ها فراهم شد در سال دوم هجرت اولین آیات قتال صادر شد:

«اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا و ان الله علی نصرهم لقدير»<sup>۲</sup>

---

1. آل عمران(3) آیه 146

2. المیزان (چاپ بیروت) ج 14، ص 382 و 383.

به آنان که جنگ بر آنها تحمیل شده اجازه جهاد داده شد چرا که آنها مورد ستم قرار گرفته اند و البته خداوند بر یاری آنها قادر است».

امام علی ع هم سکوت و هم پذیرش حکومت را مستند به یاران می کند؛ آن بزرگوار می فرماید: سکوت کردم چرا که یاران وفادار نداشتم، حکومت را پذیرفتم چون تعداد زیادی درخواست آن را داشتند

در خطبه 26 نهج البلاغه می فرماید:

**فَنظَرْتُ فَإِذَا لَيْسَ لِي مَعِينٌ إِلَّا أَهْلُ بَيْتِي فَضَنَنْتُ بِهِمْ عَنِ الْمَوْتِ وَاغْضَيْتُ عَلَى الْقَذَى وَ شَرَبْتُ عَلَى الشَّجَى وَ صَبَرْتُ عَلَى اخْذِ الْكَظْمِ وَ عَلَى أَمْرِ مَنْ طَعَمَ الْعَلَقَمَ؛**

پس نگاه کردم دیدم برای گرفتن حق خود یآوری ندارم جز خاندانم به مرگ آنها راضی نشدم چشموهای پر از خاشاک را فرو بستم و با گلویی که گویا استخوانی در آن گیر کرده بود جرعه حوادث را نوشیدم و با این که تحمل در برابر گرفتگی راه گلو و نوشیدن جرعه ای که تلخ تر از حنظل است کار طاقت فرسایی بود شکیبایی کردم.

و در خطبه سوم نهج البلاغه می فرماید:

**«...لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا اخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يَقَارُوا عَلَى كُظْمِهِ ظَالِمٍ وَ لَا سَعْبٍ مَظْلُومٍ لِأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا...؛**

اگر نه این بود که جمعیت بسیاری گردا گردم را گرفته و به یاریم قیام کردند و از این جهت حجت تمام شد و اگر نبود عهد و مسوولیتی که خداوند از علما و دانشمندان هر جامعه گرفته که در برابر شکمخواری ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان سکوت نکنند من مهار شتر خلافت را رها می ساختم و از آن صرف نظر می کردم..».

حضرت امام حسن مجتبی مهم ترین فلسفه صلح خویش را نداشتن یارانی مومن و وفادار و فداکار ذکر می کند:

«لَوْ وَجَدْتُ أَنْصَارًا لِقَاتِلَتِهِ لَيْلَى وَ نَهَارَى...»؛ اگر یارانی می یافتم شب و روزم را در جهاد با معاویه می گذراندم...»

در دوره حضرت امام صادق ع یاران شعاری فراوان بودند ولی یاران وفادار اندک، ساده اندیشان می پنداشتند که این یاران شعاری کارسازند، از این رو به امام صادق ع اعتراض می کردند که با وجود این همه یاور چرا نشسته اید و قیام نمی کنید؟

امام ع در پاسخشان می فرمود: یارانی که فدایی باشند اندکند: «لو كان لي شيعة بعدد هذه الجدا لما وسعني القعود؛<sup>4</sup> اگر به عدد این بزغاله ها (هفده عدد) یار می داشتم قیام می کردم»

و در پاسخ «سهل خراسانی» که مشابه اعتراض فوق را داشت فرمود: «... اما انا لانخرج في زمان لانجد فيه خمسة معاضدين لنا نحن اعلم بالوقت...»<sup>5</sup>

آگاه باش ما تا زمانی که پنج یار همراه نیایم قیام نمی کنیم ما زمان قیام را بهتر می دانیم...». و حضرت امام مهدی عج نیز به همراه 313 نفر - که در حقیقت فرماندهان لشکر حضرتند - قیام می نماید و با این قیام الهی جهان را پر از عدل و داد می کند.

در بین امامان، تنها امامی که از یاران خویش رضایت کامل داشته سالار شهیدان ابی عبدالله الحسین ع است و این مدال افتخار آنهاست که امام حسین ع فرمود:

«... اما بعد فانی لا اعلم اصحابا اوفی و لا خيرا من اصحابی...؛ من یارانی باوفاتر و بهتر از یاران خویش سراغ ندارم»

یاران امام حسین ع با فداکاری خویش پیوند با «آل الله» خوردند و تا روز قیامت عاشقان و شیفتگان حق در کنار سلام و درود بر سالار شهیدان، سلام بر آنها را دارند که:

السلام علی الحسین و علی بن الحسین و علی اولاد الحسین و علی اصحاب الحسین  
با توجه به اهمیت یاران و ارتباط آنها با قیام حضرات معصومین (علیهم السلام) تعدادی از اسوه های زمان حسین بن علی را متذکر می شویم در بین یاران امام حسین از کودک سه ساله تا پیر مرد هفتاد ساله به چشم می خورد. که از باب نمونه تعدادی ذکر می شود

در بین یاران حضرت چهره پنج نفر از اصحاب پیامبر بزرگ اسلام دیده می شوند:

1- انس بن حارث کاهلی؛

4. اصول کافی، ج 2، ص 242 و 243 «باب قله عدد المومنین»

5. بحار الانوار، ج 47، ص 123.

2- مسلم بن عوسجه اسدی؛

3- هانی بن عروه؛

4- حبیب بن مظاهر اسدی؛

5- عبدالله بن یقطر، که همسال امام حسین ع بود. 6

اینان پیران روشن ضمیری بودند که معنای زندگی را عمیقاً درک کردند و یافتند که زندگی یعنی در رکاب سالار شهیدان جنگیدن و در خون خویش غوطه خوردن:  
ای خوشا با فرق خونین در لقای یار رفتن  
سر جدا پیکر جدا در محفل دلدار رفتن

## ویژگیهای مشترک همه یاران اهل بیت

### 1- بصیرت در دین

بصیرت در دین یعنی روشن بینی عمیق در دین و با چشم باز راه دین را برگزیدن و پای آن مقاومت کردن همان که خداوند به آن مومنان را می ستاید.

**«انما المومنون الذین آمنوا بالله ورسوله ثم لم يرتابوا وجاهدوا باموالهم و انفسهم فی سبیل الله اولئک هم الصادقون»<sup>6</sup>**

مومنان واقعی تنها کسانی اند که به خدا و رسولش ایمان آورده سپس هرگز شک و تردیدی به خود راه ندادند و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کردند اینان راستگو هستند». ایمان، جهاد با مال و جان در راه خدا از برجسته ترین ویژگیهای ایمان با بصیرت است.

### 2- ارتباط عاشقانه با خداوند

دومین ویژگی شهیدان و اسوه ها ارتباط تنگاتنگ و عاشقانه با خداوند بود  
بر این اساس است که در آیات و روایات، دین، به عشق خداوند تفسیر شده است، ایمان همان عشق و محبت به خداوند است گرچه از استدلالهای عقلی ناشی شود در روایات فراوانی آمده است:

---

6. ابصارالعین فی انصار الحسین، ص 128.

7. حجرات (49) آیه 15.

الدین هو الحب و الحب هو الدین<sup>۸</sup>؛ دین محبت خداوند است و محبت همان دین است.

گر جام عشق دم زند آتش در این عالم بی اصل را چون ذره‌ها  
عالم همه دریا شود دریا زهیت آدم نماند و آدمی گر خویش

### ۳- شجاعت کم نظیر

در روایتی از حضرت امام صادق ع می خوانیم:

«المومن لا يخاف غير الله و لا يقول عليه الا الحق»<sup>۹</sup>؛

مومن از غیر خدا نمی هراسد و جز حق بر حضرت حق نمی گوید.

از باب نمونه یکی از یاران که از همه این ویژگی‌ها را دارد در ذیل می آوریم:

کسی که تمام هستی خود را فدای اهل بیت کرد اعم از جوانی، مال، جان؛ میانسالی، پیری....

شخصیتی بر جسته چهره تابناک و یکی از یلان شیر بیشه شجاعت این اسوه و قهرمان عابد و عارف کسی نیست جز حبیب بن مظاهر اسدی که نامش آشنا است. حبیب و دیگر یاران از چنان عظمتی برخوردارند که مایه غبطه همگان است تعییراتی که امام صادق در مورد آنان بکار برده بسیار ارزشمند است. القابی همچون اولیا و دوستان خدا، برگزیدگان پروردگار، یاران وفادار دین خدا، انصار پیامبر و علی و فاطمه و حسن و حسین،<sup>۱۰</sup>؛ درود بر این پاکمردان متعهد که اسوه‌هایی برای الگوگیری کردند.<sup>۱۱</sup>

### سابقه در دین

سابقه در دین و درک محضر رسول خدا ص از افتخارات حبیب بود حبیب از طایفه بنی اسد یک سال پیش از بعثت پیامبر اسلام به دنیا آمد کودکی‌اش هم زمان بود با سال‌های که پیامبر مردم را در مکه به توحید دعوت می کرد.

---

۸. تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۸۳ و ۸۴.

۹. میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۸۸

۱۰. بحار ج ۹۸ ص ۲۰۱

۱۱. در زیارتی که حضرت به (صفوان جمال) تعلیم داد آمده است: اسلام علیکم یا اولیاء الله و احبائه...

جوانی اش هم عصر با دوران حکومت الهی رسول خدا در مدینه بود. فیض دیدار پیامبر توفیقی بود که حبیب را از همان آغاز با معارف دین و حکمت های بلند اسلام آشنا سازد. حبیب از اصحاب پیامبر به حساب می آمد و از آن حضرت حدیث های زیادی شنیده بود.....

### در دوران امیر المؤمنین

پس از وفات پیامبر حبیب بن مظاهر در خط ولایت علی بن ابیطالب قرار گرفت و محضر آن امام همام را مغتنم شمرد و آن حضرت را به سان چشمه سار زلال حقیقت و حجت بی نظیر الهی و وارث علوم پیامبر می شناخت از این رو به آن حضرت رو آورد و در شمار یاران خالص و حواریون و شاگردان ویژه علی بن ابیطالب قرار گرفت و دانش های گران بهایی را از آن امام آموخت و از حاملان علوم علی بودیکی از آن علوم علم (بلايا و منایا) بود.....

### در سالهای خفقان اموی

پس از شهادت امام علی ع اوضاع اجتماعی - سیاسی جامعه اسلامی بحرانی تر شد امام مجتبی ع از صحنه سیاسی کشور کنار زده شد. معاویه بر اوضاع مسلط شده بود روش جائزانه معاویه در طول بیست سال همراه با اغفال مردم و تبلیغات بر ضد علی و آل علی بود و پیروان اهل بیت در بدترین وضع به سر می بردند قتل و اعدام و تبعید و قطع حقوق و اخراج از کار، از رایج ترین شیوه های سیاست معاویه نسبت به آزاد مردان پاک بود.

در همین دوران بود که امام حسن ع را با زهر به شهادت رساندند..... روشن است که در این سالهای طولانی، حبیب بن مظاهر هم مانند بسیاری از آگاهان روشن دل و مخلص خون دل می خورد و کاری از دستش نمی آمد حبیب پیرو امام بود و تابع حجت حق.....

### در دوران امام حسین ع

حسین بن علی تن به بیعت نداد و به مکه هجرت کرد حضورش به افراد زیادی رسید از جمله شیعیان کوفه که در خانه (سلیمان بن صرد خزاعی) جلسه ای تشکیل دادند و تصمیم گرفتند دعوت نامه ای تنظیم کنند.

نخستین دعوت نامه با امضای چهار تن از بزرگان کوفه برای امام نوشته و به مکه ارسال شد امضا کنندگان عبارتند از: سلیمان بن صرد، مسیب بن نجبه، رفاعه بن شداد و حبیب بن مظاهر.....

## در نهضت مسلم بن عقیل

دعوتنامه‌ها حضرت را بر آن داشت تا نماینده‌ای جهت ارزیابی دقیق اوضاع کوفیان گسیل دارد حضرت مسلم بن عقیل را به کوفه فرستاد، مسلم پیام امام را به مردم ابلاغ کرد و منتظر عکس العمل آنها ماند..... حبیب بن مظاهر و مسلم بن عوسجه از فعال‌ترین کسانی بودند که بطور پنهانی برای مسلم از مردم بیعت می‌گرفتند

## پیوستن به کاروان کربلا

عشق و قوت، در سر افتد، پیر و بر نای ندارد      مستی، کز عشق خیزد، هیچ صبه‌ای ندارد  
مه، رود و سوی شب تا با تمام شب یرستان      در ستیزد موسیدی کز عطش، نای، ندارد  
عشق مولا مه، تراود از تمام جسم و جانشر      جز وفا بر قامت خود نیز شولای، ندارد  
امام حسین از مکه عازم کربلا بود. «کاروان شهادت» می‌بایست مجمعی از زبده‌ترین انسان‌های وفادار و خالص باشند که هیچ انگیزه‌ای جز خدا و نصرت دین او در سر نداشته باشند چنین کاروانی به مکه می‌رفت و حیف بود که حبیب در این قافله نور نباشد.

اباعبدالله هنگام حرکت به کوفه نامه‌ای به حبیب بن مظاهر نوشت به این مضمون: از حسین بن علی بن ابیطالب، به دانشمند فقیه حبیب بن مظاهر اما بعد ای حبیب! تو خویشاوندی ما را به رسول خدا می‌دانی... تو که صاحب غیرت و اخلاق نیکو می‌باشی پس در فدا کردن جان خود در راه ما دریغ مکن...<sup>۱۲</sup>  
همای سعادت بود که سر حبیب نشست..... حبیب از سوی از بی وفای مردم کوفه در رنج بود از طرف دیگر شوق دیدار حسین بن علی را در سر داشت تا اینکه با سختی تمام در هفتم محرم به کاروان شهادت پیوستند.<sup>۱۳</sup>

و این حبیب بود که با اجازه امام برای تبلیغ و یاری امام حسین به قبیله بنی اسد رفت و آنان را همدل کرد برای یاری کردن که تقدیر بود بعد از شهادت حضرت به کربلا بیایند برای دفن شهدا و حبیب تنها برگشت

و از دیگر حماسه‌های حبیب تبلیغ در جبهه برای جذب بود همیشه در صحنه حاضر، جزء سرداران سپاه حضرت بود و در نهایت جزء اولین کسانی بود که در رکاب حضرت به شهادت رسید. شهادت

12. اسرار الشهادة

13. اعیان الشیعه ج 4 ص 554

حبيب چنان در حسين بن على ع اثر گذاشته بود كه در شهادتش فرمود: (پاداش خود و ياران حامى خود را از خداى تعالى انتظار مى برم). ۱۴۰

و در آخر متذكر مى شوم كه طبق روايات اسلامى در مورد رجعت در دوران حضرت حجت وصاحب الامر (عجج) حبيب بن مظاهر جزء رجعت كنندگان خواهد بود چون ممحض در دين بود.

و آخر دعوانا عن الحمد لله رب العالمين